مقالهٔ پژوهشی:

بررسی تطبیقی کارمزد قرض‌الحسنه و ربای قرضی (اجزای هزینه ـ روش تسهیم)

مهدی خطیبی/ استادیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی‌ؒ m.kh47@yahoo.com

دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۶ ـ **پذیرش:** ۱۴۰۰/۰۵/۲۹

چکیده

تأمین مالی هزینه تسهیلات قرض‌الحسنه در نظام بانکی یکی از چالش‌های بانکداری بدون ربا است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به بررس تطبیقی کارمزد قرض‌الحسنه و ربای قرضی می‌پردازیم. در روش رایج در نظام بانکی کشور، بانک پس از محاسبه هزینه‌ها، در قالب شرط ضمن عقد، از مشتری معادل ۴ درصد تسهیلات هزینه دریافت می‌کند. برخی مبلغ زیادی دریافتی حتی اگر تحت عنوان کارمزد و معادل هزینه‌ها باشد، را ربا و حرام می‌دانند. بر اساس یافته‌های پژوهش، دریافت کارمزد قرض‌الحسنه و درصدی بودن آن فاقد اشکال است. مهم آن است که سرجمع کارمزد دریافتی از هزینه‌های انجام‌شده توسط بانک بیشتر نباشد. در این راستا، اجزای هزینه‌های مؤثر در محاسبه کارمزد بررسی و بعد از ارزیابی پیشنهادهای جایگزین کارمزد، پیشنهاد جدیدی در این رابطه ارائه شد. بر اساس الگوی پیشنهادی مقاله، بانک می‌تواند انجام هزینه‌ها را به‌صورت مستقیم به خود مشتری بسپارد. بانک در مواردی که امکان واسپاری وجود ندارد، امور هزینه‌بَر را به وکالت از مشتری انجام می‌دهد تا هزینه‌ها از ابتدا بر ذمه وی مستقر شود، و یا از منابع دیگر که در قسمت پیشنهادها آمده این موارد را تأمین هزینه کند.

کلیدواژه‌ها: کارمزد، قرض‌الحسنه، بانکداری بدون ربا، ربا.

طبقه‌بندی JEL: G12، G24، E5، E4.

مقدمه

هزینهٔ قرض دادن به روش سنتی (فردبه‌فرد) در حد صفر است. اما پرداخت قرض به‌صورت نظام‌مند که توسط بانک‌ها و مؤسسات قرض‌الحسنه انجام می‌شود هزینه‌بر است. در بانک‌داری ربوی هزینهٔ تسهیلات از محل نرخ بهره تأمین می‌شود؛ اما در اقتصاد اسلامی با توجه به حرمت ربا نمی‌توان از مشتری زیادهٔ مشروط دریافت کرد. ازاین‌رو، برخی از فقها دریافت هزینهٔ قرض از قرض‌گیرنده را مطلقاً حرام دانسته‌اند (بهجت، ۱۴۲۸ق، ج۳، ص ۱۸۹؛ تبریزی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۳). در مقابل، عده‌ای بین «کارمزد» و «ربا» تفاوت ماهوی قایل شده و اولی را با شرایطی جایز دانسته‌اند (موسوی خمینی، ۱۴۲۲ق، ج۲، ص ۲۹۷).

کارمزد قرض‌الحسنه زوایای فقهی پیچیده‌ای دارد و قضاوت راجع به ماهیت فقهی آن نیازمند تحلیل عمیق و موضوع‌شناسی دقیق است. در تحقیق حاضر نگارنده کوشیده در حد بضاعت خود زوایای گوناگون فقهی آن را با روش اجتهادی به بحث بگذارد.

پیش از ورود به بحث، لازم به ذکر است که در این مقاله برای رعایت اختصار به‌جای عبارت «دریافت‌کنندهٔ تسهیلات قرض‌الحسنه» از واژه «مشتری» استفاده شده است. همچنین با توجه به اینکه بانک مرکزی آمارها را با تأخیر منتشر می‌کند، در این تحقیق از آمارهای سال ۱۳۹۶ و قبل آن استفاده گردیده است.

پیشینهٔ بحث

موسویان و *کشاورزی* (۱۳۹۹) در مقاله «مبانی فقهی و موضوع‌شناسی کارمزد قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران» پس از طرح دیدگاه‌های فقهی گوناگون راجع به کارمزد قرض‌الحسنه، هزینه تسهیلات قرض‌الحسنه را با استفاده از اطلاعات آماری یکی از بانک‌های کشور محاسبه کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که هزینه واقعی تسهیلات قرض‌الحسنه بیش از ۴ درصد است.

بیدار (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی کارمزد قرض‌الحسنه و شیوه‌های محاسبه آن در بانکداری اسلامی» تعیین کارمزد به‌صورت درصدی از مبلغ اسمی وام را با مفهوم واقعی کارمزد سازگار نمی‌داند. وی بعد از نقد روش کنونی، سه راهکار جایگزین پیشنهاد می‌کند: ۱. تأمین هزینه‌های قرض‌الحسنه از بیت‌المال؛ ۲. اختصاص بخشی از منابع قرض‌الحسنه به سرمایه‌گذاری؛ ۳. محاسبه کارمزد واقعی.

عباسی و *صدر* (۱۳۸۴) در مقاله «محاسبه تسهیلات قرض‌الحسنه و مقایسه آن با سایر عقود اسلامی» به روش ABC، هزینه تسهیلات قرض‌الحسنه‌ای را که بین سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۹ توسط بانک کشاورزی پرداخت شده، محاسبه کرده‌اند. در این روش هزینه‌یابی، تمام فعالیت‌هایی که برای ارائه یک کالا یا انجام یک خدمت انجام شده، مدنظر قرار گرفته، سپس هزینهٔ انجام آن فعالیت محاسبه شده است. طبق مطالعه صورت‌گرفته، هزینه عقد قرض‌الحسنه، هر سال با سال دیگر متفاوت بوده است.

خرازی (۱۳۸۴) در مقاله «پژوهشی در اقسام بانک و احکام آن» به بررسی فقهی معاملات بانکی پرداخته است. وی کارمزد به‌شرط قرض را یکی از راه‌های مشروع دریافت کارمزد معرفی کرده است.

موسویان (۱۳۸۳) در مقاله «طرحی برای ساماندهی صندوق‌های قرض‌الحسنه» روند شکل‌گیری قوانین و اثرات اقتصادی و تخلف صندوق‌های قرض‌الحسنه را در جهات گوناگون، از جمله در محاسبه کارمزد و دریافت آن بررسی کرده است.

در مقاله حاضر تبیین دقیقی از علت مخالفت برخی از مراجع معظم تقلید با روش کنونی دریافت کارمزد انجام شده و دقیقاً مشخص گردیده اختلاف دیدگاه موافقان و مخالفان بر سر چیست. علاوه بر آن اجزای هزینه‌های مؤثر در محاسبه نرخ کارمزد و همچنین شبهۀ درصدی بودن کارمزد بررسی و پاسخ داده شده و راهکاری جدید برای تأمین هزینه‌های قرض الحسنه پیشنهاد گردیده است.

هزینه اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه در نظام بانکی

در گذشته عملیات قرض به‌صورت مستقیم بین قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده انجام می‌شد و هزینه‌ای برای آن متصور نبود. ممکن بود شاهد بر قرض گرفته شود و یا قرض‌دهنده مالی را به‌عنوان رهن از قرض‌گیرنده مطالبه کند و یا قرارداد انشاشده بر روی کاغذی نوشته شود تا مدرکی در دست قرض‌دهنده باشد؛ اما هیچ‌یک از این امور هزینۀ قابل‌توجهی به همراه نداشت، تا تأمین هزینه‌ها به یک پرسش فقهی و حقوقی تبدیل شود.

در عصر نوین روش وام‌دهی در نظام بانکی با روش‌های سنتی قرض تفاوت زیادی پیدا کرده است. امروزه بانک‌ها وجوه نقد را تجمیع می‌کنند و سپس در قالب تسهیلات قرض‌الحسنه یا انتفاعی در اختیار سرمایه‌گذاران و متقاضیان منابع مالی قرار می‌دهند. براساس آمارهای بانک مرکزی تسهیلات اعطایی بانک‌ها در سال ۱۳۹۶ قریب یک تریلیون و صد و هفتاد هزار میلیارد تومان بوده است. از این مقدار ۵۹۵۰۰ میلیارد تومان (قریب ۵ درصد) به‌صورت قرض‌الحسنه به متقاضیان اعطا شده است.

به‌رغم توسعه بانک‌داری الکترونیک، اعطای تسهیلات همچنان هزینه‌های ثابت و متغیری به همراه دارد. طبق گزارش معاونت نظارت بانک مرکزی در سال ۱۳۹۴ تعداد شعب ۳۵ بانکی که در کشور مجوز فعالیت دارند، ۲۱۶۵۶ شعبه بوده است (www.cbi.ir/showitem/13923.aspx). آمار رسمی تعداد کارکنان نظام بانکی منتشر نشده، اما با بررسی گزارش عملکرد سالیانۀ بانک‌ها قابل تخمین است. گفته می‌شود: به‌صورت متوسط هر شعبه به ده کارمند نیاز دارد و طبق گزارش‌های غیررسمی تعداد کارکنان نظام بانکی در کل کشور قریب ۱۹۵۰۰۰ نفر است.

هزینه‌های متغیر پرداخت تسهیلات، همچون هزینۀ ضمانت و اخذ وثیقه که تابعی از تسهیلات اعطایی می‌باشد، نیز قابل‌توجه است. برخلاف شیوه سنتی پرداخت قرض که در آن شناخت قرض‌دهنده از قرض‌گیرنده یکی از عوامل اساسی در کسب اطمینان نسبت به بازپرداخت بدهی است، در شیوۀ نوین به‌سبب حجم بالای تسهیلات و وجود انبوه متقاضی، بانک مجبور است برای کسب اطمینان نسبت به بازپرداخت تسهیلات پرداختی از ضمانت‌های متعدد و وثیقه‌های معتبر و بعضاً هزینه‌بر (مثل سفته) استفاده کند. طبیعی است که این امور هزینۀ اعطای تسهیلات را افزایش می‌دهد.

هزینهٔ اعطای جوایز بانکی نیز از جمله هزینه‌های متغیر اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه است. طبق ماده ۶ «قانون عملیات بانک‌داری بدون ربا» بانک‌ها می‌توانند جوایز نقدی و غیرنقدی به سپرده‌گذاران اعطا کنند. اعطای این جوایز نقش قابل‌توجهی در افزایش جذب سپرده و درنتیجه افزایش میزان اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به متقاضیان دارد. تهیه این جوایز هزینه‌بر است. طبق مصوبه شورای پول و اعتبار حداکثر مبلغی که بانک‌ها می‌توانند در هر دوره صرف تهیه جوایز کنند، معادل ۲ درصد سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه همان دوره است.

هزینهٔ متغیر دیگری که بر بانک تحمیل می‌شود، هزینه مطالبات سوخت شده است. به‌رغم تلاش بانک برای حصول اطمینان از بازپرداخت تسهیلات درنهایت، بخشی از تسهیلات اعطایی هرگز وصول نمی‌شوند و چون منابع این تسهیلات از محل سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز است و بانک در مقابل سپرده‌ها ضامن است، نمی‌تواند نکول مشتریان را به سپرده‌گذاران منتقل کند. بنابراین مجبور است از منابع مالی خود آن را جبران کند.

با توجه به شفاف نبودن هزینه‌های قرض‌الحسنه و برای جلوگیری سوءاستفاده، طبق مادهٔ ۱۷ آئین‌نامهٔ فصل سوم «قانون عملیات بانک‌داری بدون ربا»، تعیین نرخ کارمزد قرض‌الحسنه به عهده بانک مرکزی است. بانک مرکزی طبق آخرین تغییرات، نرخ کارمزد را حداکثر ۴ درصد تعیین کرده است (نامهٔ شماره نب/۷۲۴۴، مورخ ۱۳۷۵/۹/۲۴). علی‌القاعده تعیین این نرخ مبتنی بر دیدگاه کارشناسان بانک مرکزی در محاسبه هزینه‌های واقعی بانک بوده است. در یک تحقیق میدانی با استفاده از آمارهای یکی از بانک‌های کشور هزینه‌های پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه در آن بانک استخراج شده است. در این تحقیق سهم تسهیلات قرض‌الحسنه از هزینه‌های پرسنلی و تجهیزات اداری مورداستفاده در سال موردنظر ۶/۴ درصد و هزینه مطالبات غیرجاری ۵/. درصد برآورد شده است. طبق گزارش، بانک مزبور بابت تبلیغات هزینه‌ای نکرده است (موسویان و کشاورزیان، ۱۳۹۹).

براین‌اساس تردیدی نسبت به هزینه‌بر بودن تسهیلات قرض‌الحسنه در نظام بانکی کشور باقی نمی‌ماند.

دیدگاه فقها دربارهٔ کارمزد قرض‌الحسنه

برخی از فقها شرط دریافت کارمزد از تسهیلات قرض الحسنه را به‌سبب انطباق بر ربا جایز نمی‌دانند (بهجت، ۱۴۲۸ق، ج۳، ص ۱۸۹؛ سیستانی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معظم‌له، قسمت پرسش و پاسخ، پرسش دوم). برخی دیگر به‌صراحت کارمزد را نفعی برای قرض‌دهنده برشمرده‌اند (صافی، ۱۴۱۷ق، ج۲، ص ۳۰۱).

آیت‌الله تبریزی انتقال هزینه‌ها به قرض‌گیرنده تحت عنوان «کارمزد» را غیرقابل قبول دانسته، در پاسخ به استفتایی می‌گوید:

> **گرفتن زیادتر از مقدار قرض داده‌شده به‌عنوان کارمزد صحیح نیست؛ چون کارمندان که در صندوق کار می‌کنند اجیر سهامداران صندوق هستند و در ذمهٔ آنها مالک اجرت می‌باشند و دیگر نمی‌توانند اجیر برای قرض‌گیرندگان شوند و در ازای آن اجرت بگیرند... (تبریزی، بی‌تا، ج۱، ص ۲۸۰).**

در مقابل، برخی دیگر از فقها شرط کارمزد در متن قرض را جایز می‌دانند و معتقدند: ربای قرضی زیاده‌ای مشروط

است که در ازای مبلغ قرض پرداخت می‌شود. این در حالی است که کارمزد زیاده‌ای است که در ازای هزینه‌های عملیات قرض پرداخت می‌شود. پس ماهیت آن متفاوت از ربای قرضی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد تنها دلیل این دسته از فقها برای اثبات جواز کارمزد، «انصراف» است؛ یعنی ادله حرمت ربا از کارمزد انصراف دارد و شامل آن نمی‌شود. انصراف زیرمجموعه مناسبات حکم و موضوع بوده و مبتنی بر فهم عرف است. این گروه غالباً از تعابیری مثل «کارمزد متعارف»، «کارمزد حقیقی»، «کارمزد واقعی»، یا «هزینه‌های لازم» استفاده کرده‌اند (موسوی خمینی، ۱۴۲۲ق، ج۲، ص ۱۳۰؛ منتظری، بی‌تا، ج۳، ص ۲۶۶؛ مکارم شیرازی، بی‌تا، ص ۱۲۸). افزودن این قیود برای آن است که کارمزد به راهی برای فرار از ربا تبدیل نشود (مکارم شیرازی، بی‌تا، ص ۳۱و۶۹).

برای قضاوت راجع به دیدگاه‌های مطرح‌شده، لازم است روش رایج انتقال هزینه قرض‌الحسنه به مشتری بررسی شود.

تحلیل ماهیت دریافت کارمزد به روش کنونی (روش مشارکت در هزینه‌ها)

روش رایج در انتقال هزینه‌های قرض‌الحسنه به مشتریان به این صورت است که بانک همهٔ هزینه‌ها را از جانب خودش انجام دهد و در عوض، با شرط ضمن عقد (ماده ۴ قرارداد قرض‌الحسنه) به‌اندازه کارمزد از مشتری می‌خواهد در جبران هزینه‌ها مشارکت کند. منظور از «مشارکت» در این روش، مشارکت مشتریان با یکدیگر در تأمین هزینه‌های قرض‌الحسنه است.

مخالفان کارمزد شبههٔ ربا را در این روش جدی می‌دانند. از نظر آنان ادعای «انصراف» که تنها دلیل موافقان بر جواز کارمزد بود، مخدوش است. اطلاق ادله حرمت ربا آن‌قدر قوی است که جایی برای ادعای انصراف باقی نمی‌گذارد. به عبارت واضح‌تر، درست است که بانک بازای کارمزدی که دریافت می‌کند، هزینه‌هایی کرده و به لحاظ حسابداری منفعتی نبرده است، اما اشتراط زیادهٔ مالی در ضمن عقد قرض به‌صورت مطلق تحریم شده و فرقی نمی‌کند معادل آن، هزینه‌ای به قرض‌دهنده تحمیل شده باشد یا نه. به‌عبارت‌دیگر، شرط کردن مبلغی اضافه بر اصل قرض مطلقاً حرام است و قرض را ربوی می‌کند، اگرچه به لحاظ حسابداری چیزی به اموال قرض‌دهنده اضافه نشده باشد. درست مثل اینکه کسی مبلغی را با نرخ ده درصد از پدر یا فرزند خود قرض ربوی بگیرد. چنین قرضی به لحاظ شرعی چون بین پدر و پسر رخ داده، جایز است. اما اگر قرض‌گیرنده بخواهد همان مبلغ را با همان نرخ به دیگری قرض بدهد از نظر عرف این شخص رباخوار شمرده می‌شود، با اینکه به لحاظ حسابداری سودی نبرده است.

ممکن است گفته شود: قیاس کارمزد با این مثال صحیح نیست؛ زیرا کارمزدْ هزینه عملیات قرض است. در مثال مزبور زیادهٔ دریافتی هزینه عملیات قرض نیست، بلکه هزینه‌ای است که پیش از عملیات قرض بر عهده قرض‌دهنده آمده است. پاسخ آن است که این مقدار فرق موجب نمی‌شود حکم آن دو متفاوت باشد؛ زیرا اولاً، هزینه جوایز بانکی از همین سنخ است؛ یعنی برای تجهیز منابع انجام می‌شود؛ و چون در ردیف هزینه‌های ترازنامهٔ بانک ثبت می‌گردد، در تعیین نرخ کارمزد تأثیر می‌گذارد (موسویان و کشاورزیان، ۱۳۹۹). ثانیاً، یکسان‌انگاری حکم

مثال مزبور با قرض‌الحسنه به شرط کارمزد مبتنی بر قیاس نیست، بلکه مبتنی بر تنقیح مناط است. توضیح آنکه اگر جایز باشد که قرض‌دهنده بابت هزینه‌های اعطای تسهیلات مبلغی را از قرض‌گیرنده مطالبه کند، صرفاً از این نظر است که به‌رغم دریافت زیاده به لحاظ حسابداری نفعی عاید قرض‌دهنده نشده است. با این مناط دیگر فرقی نمی‌کند هزینه برای تجهیز منابع باشد یا برای اجرای علمیات قرض.

برهمین‌اساس، جواز و عدم جواز دریافت کارمزد به روش مشارکت در هزینه‌ها مبتنی بر تعیین تکلیف مناط مزبور است؛ یعنی باید بررسی شود که ربای حرام آیا زیادهٔ مشروطی است که خالص دارایی قرض‌دهنده را افزایش می‌دهد یا شامل هر زیاده مشروطی می‌شود، حتی اگر به لحاظ حسابداری خالص دارایی قرض‌دهنده را افزایش ندهد؟

مسئله به‌گونه‌ای دیگر نیز قابل‌تحلیل است: پرسش آن است که آیا غرض شارع از تحریم ربا این بوده که باب سودجویی را بر صاحبان ثروت ببندد؟ یا غرض آن بوده که بیش از اصل قرض، هزینه‌ای به قرض‌گیرنده تحمیل نشود؟ اگر اولی غرض شارع بوده، شرط کارمزدِ معادل هزینه‌ها اشکالی ندارد؛ چون سودجویی در کار نیست. اما اگر دومی غرض شارع باشد شرط کارمزد نیز حرام است و قرض‌دهنده نمی‌تواند هزینه‌ای انجام دهد و معادل آن را از قرض‌گیرنده مطالبه کند.

حقیقت آن است که تعیین یکی از دو احتمال مزبور در باب مناط تحریم ربا کار ساده‌ای نیست؛ زیرا کشف اغراض شارع در جایی که خود شارع سخنی از آن به میان نیاورده، بسیار دشوار است. مخالفان کارمزد معتقدند: در بین ادلهٔ تحریم ربا، دلیل محکمی که بتوان از آن، اغراض شارع را از حیث موضوع بحث کشف کرد، وجود ندارد. بنابراین دلیلی نیست که بتواند اطلاق ادله ربا را مقید کند. در مقابل، موافقان کارمزد معتقدند: ربا یعنی زیاده‌ای که منجر به نفع مالی قرض‌دهنده شود؛ و زیاده‌ای که معادل هزینه‌ها باشد، نفع مالی نیست. بنابراین، چنین زیاده‌ای اساساً ربا نیست و ارتباطی با کشف غرض شارع ندارد.

ممکن است گفته شود: آیات قرآن احتمال نخست (یعنی بستن باب سودجویی بر رباخوار) را تأیید می‌کنند؛ زیرا غالب آیات مربوط به تحریم ربا بر عمل رباخوار و سرزنش او تمرکز دارند (بقره: ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۷۹؛ آل‌عمران: ۱۳۰؛ نساء: ۱۶۱؛ روم: ۳۹؛ مدثر: ۶). اما این استدلال چندان قابل اعتماد نیست؛ زیرا تمرکز بر فعل رباخوار ممکن است از آن نظر باشد که قرض‌دهنده عامل اصلی در شکل‌گیری قرض ربوی است. اگر وی از مطالبهٔ زیاده صرف‌نظر کند، در غالب موارد قرض ربوی شکل نمی‌گیرد؛ زیرا بعید است قرض‌گیرنده اصرار بر پرداخت زیاده مشروط داشته باشد. از این نظر بیشتر آیات کریمه قرض‌دهنده را خطاب کرده‌اند.

حاصل آنکه مقتضای عموم و اطلاق آیات و روایات، تحریم دریافت کارمزد به روش رایج در نظام بانکی کشور است؛ یعنی بانک نمی‌تواند هزینه‌ها را انجام دهد و سپس تحت عنوان کارمزد و در قالب زیاده مشروط، معادل آن را از مشتری مطالبه کند.

روش جایگزین انتقال هزینهٔ تسهیلات قرض‌الحسنه به مشتری (روش واسپاری و وکالت)

همان‌گونه که گفته شد، مخالفان روش کنونی انتقال هزینهٔ تسهیلات قرض‌الحسنه به مشتری را صحیح نمی‌دانند؛ یعنی بانک نمی‌تواند در فرایند اعطای تسهیلات، هزینه‌ها را خودش انجام دهد، سپس معادل آن را از وام‌گیرنده دریافت کند.

روش دیگر برای انتقال هزینه‌ها که ممکن است از نظر مخالفان از شبهه ربا مصون باشد، روش «واسپاری امور هزینه‌بر به مشتری» یا استفاده از روش «وکالت و نیابت» است؛ یعنی بانک باید از متقاضی تسهیلات قرض‌الحسنه بخواهد، اموری را که هزینه‌بر است (مثل تهیه سفته) خود وی بر عهده بگیرد، و اگر امکان واگذاری به مشتری وجود ندارد (مثل صدور رسید پرداخت قسط) عملیات مزبور را به وکالت و نیابت از قرض‌گیرنده انجام دهد تا هزینه‌ها از ابتدا بر ذمه وی مستقر شود و بانک بتواند آن را مطالبه کند. بدین‌منظور پیش از اعطای قرض و در متن درخواست وام، متقاضی از بانک می‌خواهد تمام امور هزینه‌بر را به نیابت از متقاضی و به‌حساب وی انجام دهد. در این صورت، درخواست قرض‌الحسنه تبدیل به یک قرارداد مستقل می‌شود که در قالب آن متقاضی وام به بانک وکالت می‌دهد مقدمات اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه را به نیابت از وی و به‌حساب وی انجام دهد. به این روش بسیاری از هزینه‌های عمدهٔ پرداخت تسهیلات ازجمله دستمزد کارکنان دخیل در عملیات پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه قابل انتقال به مشتریان است. بدین‌صورت که امور جاری پرداخت تسهیلات از ابتدا تا تسویه که توسط کارکنان بانک دنبال می‌گردد به وکالت و نیابت از مشتری انجام و هزینه آن نیز به پای وی نوشته می‌شود و معادل آن از وی دریافت می‌گردد. لازم به ذکر است که در روش کنونی بانک‌ها امور جاری پرداخت وام را به وکالت از مشتری انجام نمی‌دهند تا هزینه‌ها بر عهده مشتری مستقر شود. در واقع، نه بانک در انجام امور جاری قصد وکالت و نیابت می‌کند و نه مشتری چنین وکالتی به بانک می‌دهد.

البته ممکن است برخی از هزینه‌ها در قالب «وکالت» نگنجند؛ مثل خرید یا احداث ساختمان و امثال آن که جزو هزینه‌های جاری تسهیلات نیستند و هزینه ثابت محسوب می‌شوند، و یا هزینه‌هایی که به مصلحت و به نفع بانک است؛ به عنوان مثال اگر اشتراط انجام هزینه برای قرض‌دهنده نفع مالی داشته باشد، قطعاً حرام خواهد بود؛ مثل اینکه از قرض‌گیرنده خواسته شود از فروشگاهی که متعلق به بانک است و قیمت‌های آن نیز بیش از قیمت المثل است، تجهیزات لازم برای عملیات قرض را تهیه کند. برای تأمین این هزینه‌ها روش‌های دیگری (ازجمله مشارکت دولت در تأمین هزینه‌های قرض‌الحسنه) وجود دارد که در بخش پیشنهاد نهایی بدان اشاره خواهد شد.

تحلیل هزینه‌های مؤثر در محاسبه کارمزد قرض‌الحسنه

با فرض جواز مطالبه هزینهٔ قرض‌الحسنه از مشتریان به روش مشارکت در هزینه (روشی که اکنون در نظام بانکی کشور رایج است)، این پرسش مطرح است که بانک‌ها چه هزینه‌هایی را می‌توانند تحت عنوان کارمزد قرض‌الحسنه از مشتری مطالبه کنند؟ هزینه‌هایی که ممکن است در محاسبه کارمزد لحاظ شوند، عبارتند از:

الف. هزینه پرسنلی ـ اداری و چالش پایین بودن بهره‌وری

بیشترین هزینهٔ تسهیلات قرض‌الحسنه هزینه کارکنان و هزینه اداری تخصیص و تجهیز منابع است. در روش کنونی دریافت هزینه‌ها از مشتریان، بانکْ خودش هزینه‌ها را انجام می‌دهد و معادل آن را در قالب شرط ضمن عقد از مشتریان مطالبه می‌کند، نه آنکه از مشتریان بخواهد مستقیم اجرت کارکنان را پرداخت کنند. بنابراین طرح این اشکال که کارمندان اجیر بانک می‌باشند و اجرتشان بر عهده بانک است و دیگر نمی‌توانند اجیر قرض‌گیرندگان شوند و در ازای آن اجرت بگیرند (تبریزی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۰) غیرقابل پذیرش است.

اشکال اساسی در رابطه با هزینه کارکنان و هزینه اداری بالا بودن هزینه‌های بانک به‌سبب پایین بودن بهره‌وری است. در یک تحقیق علمی کارایی صنعت بانک‌داری در ایران بررسی شده است. در این پژوهش از آمار ده بانک دولتی شامل شش بانک تجاری (ملت، تجارت، رفاه کارگران، صادرات، ملی و سپه) و چهار بانک تخصصی (توسعه صادرات، مسکن، کشاورزی، و صنعت و معدن) برای دوره زمانی ۱۳۷۴ــ ۱۳۸۱ کارایی صنعت بانک‌داری در ایران برآورده شده است (حسینی و سوری، ۱۳۸۶). نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق مزبور نشان می‌دهد که میانگین کارایی بانک‌ها ۸۷/۷۶ درصد است؛ به این معنا که در صورت کارایی کامل ۸۷/۷۶ درصد از هزینه‌های انجام‌گرفته برای به‌دست آوردن همین سطح ستانده طی دوره هشت ساله در صنعت بانک‌داری کشور کافی بوده است. برهمین‌اساس ممکن است گفته شود: نرخ ۴ درصد که به‌عنوان کارمزد تسهیلات در نظر گرفته شده، بیش از کارمزد واقعی (اجرةالمثل) است. این موضوع از آن نظر حایز اهمیت است که موافقان دریافت کارمزد معتقدند: کارمزد باید واقعی باشد. بنابراین سؤال می‌شود که آیا بانک می‌تواند کارمزدی را که به‌سبب پایین بودن بهره‌وری بیش از حداقل‌هاست، از مشتری مطالبه کند؟

در پاسخ باید گفت: با چشم‌پوشی از اینکه از نظر عرف بهره‌وری قریب ۹۰ درصدی کم‌کاری نیست و تقریباً ملحق به کارایی کامل است، به نظر می‌رسد از این نظر اشکالی متوجه کارمزد نباشد؛ زیرا قبلاً گفته شد تأکید فقها بر اینکه کارمزد باید واقعی باشد، برای جلوگیری از تبدیل شدن آن به راهی برای فرار از رباست. طبق این دیدگاه، کارمزد در صورتی حرام است که حیله‌ای برای فرار از ربا باشد. از سوی دیگر، صدق حیله منوط به قصد است. اگر کسی قصد فرار از ربا نداشته باشد، طبیعتاً عملی که انجام می‌دهد حیله نخواهد بود. در فرض مشارٌالیه بالا بودن مخارج و هزینه‌ها به‌صورت عمدی و به قصد فرار از ربا انجام نشده است؛ زیرا فقط ۵ درصد از تسهیلات بانکی به قرض‌الحسنه اختصاص دارد و بقیه در قالب تسهیلات انتفاعی پرداخت می‌شود و برای بانک سودآوری دارد. با توجه به سهم اندک تسهیلات قرض‌الحسنه از کل تسهیلات و نرخ پایین کارمزد نسبت به سود تسهیلات انتفاعی، بسیار بعید به نظر می‌رسد که بانک بخواهد با افراط در هزینه‌ها و محاسبه آن در کارمزد، ربای قرضی را دور بزند و این روش را پوششی برای دریافت ربا قرار دهد.

موضوع دیگری که راجع به هزینه‌های اداری و پرسنلی جای بحث و بررسی دارد ایجاد شغل برای صاحبان و مدیران صندوق یا بانک است. توضیح آنکه ممکن است فرد یا افرادی با تأسیس صندوق یا بانک قرض‌الحسنه اقدام به جمع‌آوری سپرده و اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه با نرخ کارمزد اعلام‌شده و یا حتی کمتر از آن بکنند و

به این وسیله شغلی که منشأ درآمد است، برای خود ایجاد کنند. ازآنجاکه ایجاد شغل و کسب درآمد، حتی اگر به‌اندازه کاری باشد که شخص انجام می‌دهد عرفاً منفعت محسوب شود و افراد حاضرند برای به دست آوردن چنین موقعیتی پول پرداخت کنند، شرطی که این منفعت را به دنبال داشته باشد، مصداق ربا خواهد بود. ازاین‌رو، محاسبه حقوق مدیران و صاحبان صندوق به‌عنوان بخشی از هزینه‌ها و دریافت آن از مشتریان در قالب کارمزد صحیح نیست. ممکن است گفته شود: کسانی که کارمزد را جایز دانسته‌اند این مورد را استثنا نکرده‌اند. در پاسخ باید گفت: این مسئله تا کنون مطمح‌نظر نبوده است. بدین‌روی عدم استثنا جای تعجب ندارد. این درست بدان می‌ماند که قرض‌دهنده یک روز کاری خود را به قرض دادن اختصاص دهد و در متن قرارداد از قرض‌گیرنده بخواهد مزد آن روز وی را پرداخت کند.

ب. هزینه تأمین جوایز بانکی

طبق ماده ۶ «قانون بانک‌داری بدون ربا» بانک‌ها می‌توانند به‌منظور جذب و تجهیز سپرده پس‌انداز با انجام قرعه‌کشی، به برخی از سپرده‌گذاران جایزه بدهند. طبق ماده ۳ دستورالعمل بانک مرکزی دربارهٔ «نحوه اعطای جوایز به سپرده‌های پس‌انداز»، حداکثر مبلغی که بانک می‌تواند در هر دوره به اعطای جایزه اختصاص دهد، معادل دو درصد سپرده‌های پس‌انداز است. طبق تبصرهٔ چهارمِ همان ماده، بودجه موردنیاز جوایز بانکی هم باید از محل درآمدهای بانک تأمین شود. البته طبیعی است که این مبلغ در ترازنامه بانک در ردیف هزینه‌ها ثبت شود. ظاهراً بانک‌ها در محاسبه کارمزد قرض‌الحسنه این رقم را هم محاسبه می‌کنند (موسویان و کشاورزیان، ۱۳۹۹، ص ۱۱۶).

ممکن است گفته شود: این هزینه با وجود اینکه در جهت تأمین منابع لازم برای تسهیلات قرض‌الحسنه استفاده شده است، از نگاه عرفی هزینه عملیات قرض محسوب نمی‌شود. قبلاً اشاره شد که این مسئله شبیه آن است که فردی از پدر یا فرزند خود مبلغی را به‌صورت قرض ربوی بگیرد و آن را با همان نرخ به دیگری قرض دهد. اگر شرط دریافت هزینه‌های تبلیغات و جوایز بانکی از قرض‌گیرندگان جایز باشد، باید در مثال مزبور نیز دریافت نرخ بهره به‌اندازه‌ای که قرض‌دهنده به پدر یا فرزند خود پرداخت می‌کند، جایز باشد.

شاید بتوان بین دو فرض مشارٌالیه تفاوت قایل شد و گفت: دومی (قرض ربوی از پدر یا فرزند) ممکن است راهی برای فرار از ربا باشد. ازاین‌رو، اگر منعی از آن شده باشد حمل بر همین جهت خواهد شد؛ اما اولی راه فرار از ربا نیست، بلکه صرفاً راهی برای تأمین منابع مالی لازم برای پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه است. هزینه تبلیغات و جوایز بانکی را می‌توان با هزینه تبلیغات برای فروش کالا و محاسبه آن در ردیف مخارج تجارت قیاس کرد. تاجری را فرض کنید که برای افزایش فروش کالا دست به تبلیغات هزینه‌بر می‌زند، طبق شرایطی وی باید هر سال بعد از کسر مئونه، یک‌پنجم خالص دارایی‌هایش را که نسبت به سال گذشته اضافه شده، به‌عنوان خمس به حاکم شرع بپردازد. چنانچه تبلیغات انجام‌شده در جهت رونق کسب و کار ارزیابی شود و افراطی در آن صورت نگرفته باشد، جزو هزینه‌های آن سال محاسبه می‌شود و از درآمد آن سال کسر می‌گردد و سپس خمس پرداخت

می‌شود. در باب تسهیلات قرض‌الحسنه نیز فرض آن است که مؤسسهٔ اعتباری منابع کافی در اختیار ندارد و تنها راه تجهیز منابع، جذب سپرده‌های قرض‌الحسنه است. اگر پرداخت جایزه نقش مؤثری در جذب سپرده‌ها داشته باشد، تعیین جایزه می‌تواند جزو هزینه‌های صندوق محاسبه شود. اما نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد آن است که از نظر عرفی ممکن است عنوان «کارمزد» شامل این قلم از هزینه‌ها نشود. بنابراین اگر بانک می‌خواهد در محاسبه هزینه‌ها این قلم را نیز به‌حساب آورد، باید آن را جداگانه به اطلاع مشتری برساند.

ج. هزینه مطالبات غیرجاری

سومین هزینه‌ای که در تعیین میزان کارمزد تأثیرگذار است، هزینه مطالبات غیرجاری است. این مطالبات به سه دستهٔ سررسید گذشته (بیش از ۲ ماه تا ۶ ماه تأخیر در پرداخت اقساط)، معوق (بیش از ۶ ماه تا ۱۸ ماه تأخیر در پرداخت اقساط) و مشکوک‌الوصول (بیش از ۱۸ ماه تأخیر در پرداخت اقساط) تقسیم می‌شوند. براساس دستورالعمل بانک مرکزی معادل ۵۰ درصد مطالبات مشکوک‌الوصول، ۲۰ درصد مطالبات معوق و ۱۰ درصد مطالبات سررسید گذشته ذخیره‌گیری شده و در ردیف هزینه‌های ترازنامه بانک ثبت می‌شود (موسویان و کشاورزیان، ۱۳۹۹، ص ۱۱۶) و علی‌القاعده در محاسبه نرخ کارمزد تأثیرگذار است.

پرسش آن است که آیا بانک‌ها و به‌طورکلی قرض‌دهنده‌ها می‌توانند هزینه نکول برخی از قرض‌گیرندگان را به بقیه انتقال دهند؟

به نظر می‌رسد به‌رغم آنکه مطالبات سوخت‌شده در ردیف هزینه‌های بانک ثبت می‌شود و باید پیش از تقسیم سود بین سهام‌داران از درآمد کل کسر شود، اما از نظر عرف هزینه عملیات اعطای قرض‌الحسنه محسوب نمی‌شود، بلکه هزینه‌ای است که به خاطر نقض تعهد برخی از مشتریان نسبت به بازپرداخت بدهی، به بانک تحمیل شده و محاسبه آن در ردیف هزینه‌های عملیات قرضْ محل تأمل است. عرف این زیاده را جزو مخارج عملیات قرض‌الحسنه تلقی نمی‌کند، هرچند به لحاظ حسابداری معادل هزینه مطالبات سوخت‌شده باشد و در حقیقت موجب افزایش خالص دارایی قرض‌دهنده نشود. این درست بدان می‌ماند که بانک بخواهد هزینه‌های ناشی از سیل و زلزله را در محاسبه کارمزد دخالت دهد. بنابراین اگر منظور از «کارمزد» هزینه عملیات اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه باشد، شامل مطالبات سوخت‌شده نمی‌شود. بسیاری نیز در قالب مثال، به مصادیق هزینه‌ها اشاره کرده و در هیچ‌یک به مطالبات سوخت‌شده اشاره نکرده‌اند (موسویان و کشاورزیان، ۱۳۹۹).

البته طبق برخی از مبانی، امکان انتقال هزینهٔ مطالبات غیرجاری به مشتری در قالب شرط ضمن عقد وجود دارد. حقیقت چنین شرطی به‌شرط زیاده به نفع شخص ثالث برمی‌گردد. توضیح آنکه وقتی بانک در متن قرارداد تسهیلات شرط می‌کند قرض‌گیرنده موظف است بخشی از بدهی‌های نکول‌شده را جبران کند، این شرط می‌تواند در قالب ضمانت شرعی نسبت به مطالبات سوخت‌شده قبلی باشد؛ یعنی قرض‌دهنده ضامن شرعی بخشی از مطالباتی باشد که تاکنون وصول نشده است. همچنین می‌تواند هبه‌ای از طرف قرض‌گیرنده به کسانی باشد که از

پرداخت بدهی نکول کرده‌اند و بانک به وکالت از نکول کنندگان، آن را به‌جای طلبْ قبض کند. در این رابطه توجه به سه نکته ضروری است:

اول. شرط مزبور در صورتی جایز است که فقیه اشتراط زیاده به نفع شخص ثالث را جایز بداند. در غیر این صورت، افزودن چنین شرطی صحیح نیست.

دوم. بانک موظف است به‌اندازه هزینه مطالبات غیرجاری که در کارمزد لحاظ شده، از میزان مطالبات سوخت‌شده بکاهد و به عبارت دیگر، نسبت به بدهکاران نکول‌کننده ادعایی نداشته باشد؛ زیرا سایر قرض‌گیرندگان آن را پرداخت کرده‌اند.

سوم. شرط کارمزد در متن قرارداد برای دریافت هزینه ناشی از مطالبات سوخت‌شده کافی نیست؛ زیرا کارمزد بیانگر هزینه‌های قرض است و مطالبات جاری حقیقتاً هزینه اعطای تسهیلات نیستند، اگرچه در ترازنامه بانک در ردیف هزینه‌ها ثبت می‌شوند. بنابراین بانک در صورتی می‌تواند آن را از مشتری مطالبه کند که در قالب شرط ضمن عقد قرض به آن تصریح کرده باشد.

روش محاسبه و دریافت کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه

روش مشارکت دادن مشتریان در هزینه‌های تسهیلات قرض‌الحسنه از مباحث پرفرازونشیب بانک‌داری بدون رباست. البته طبق قانون، تعیین روش محاسبه و نحوه دریافت کارمزد از وظایف بانک مرکزی است. براساس آخرین دستورالعمل بانک مرکزی حداکثر نرخ کارمزد، ۴ درصد بازای هر سال تعیین شده است. براین‌اساس، نرخ کارمزد دارای دو ویژگی است: ویژگی اول نسبی بودن کارمزد است؛ یعنی هزینه‌ها به‌صورت سرانه سرشکن نمی‌شود، بلکه هر کس تسهیلات بیشتری دریافت کرده باشد، سهمش از هزینه‌ها بیشتر است. ویژگی دوم تأثیر مستقیم سنوات بازپرداخت بر میزان کارمزد است و هرچه تعداد سنوات بیشتر باشد، مشتری کارمزد بیشتری پرداخت می‌کند. البته چون نوعاً بازپرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه به‌صورت ماهیانه است، مقدار باقی‌مانده از تسهیلات در سال‌های بعد به‌تدریج کم می‌شود و طبق قانون در سال‌های بعد کارمزد مقدار باقی‌مانده از تسهیلات دریافت می‌شود.

نحوه تقسیط کارمزد نیز براساس‌نامه ۸۸/۲۳۳۲۹۴ بانک مرکزی در تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۶ به این صورت است که در هر سال یکی از اقساط ماهیانه به پرداخت کارمزد اختصاص می‌یابد. برای مثال، اگر تسهیلات سه‌ساله باشد، اصل مبلغ تسهیلات ۳۳ ماهه بازپرداخت می‌شود و سه قسط هم به پرداخت کارمزد اختصاص می‌یابد که عبارتند از: اقساط اول و سیزدهم و بیست و پنجم.

به روش کنونی محاسبه و دریافت کارمزد دو ایراد وارد شده است:

ایراد اول: برخی از فقها سالیانه بودن نرخ کارمزد را جایز نمی‌دانند و معتقدند: بانک نمی‌تواند هرسال کارمزد را تکرار کند، بلکه فقط می‌تواند معادل ۴ درصد تسهیلات را یک‌بار به‌عنوان کارمزد دریافت کند و گرفتن کارمزد برای باقی‌مانده تسهیلات در سال‌های بعد جایز نیست (مکارم شیرازی، ***استفتائات اینترنتی***، https://makarem.ir).

به نظر می‌رسد اگر فقیه اشتراط دریافت کارمزد را جایز بداند، از لحاظ مزبور اشکالی متوجه کارمزد نباشد؛ زیرا ایراد مزبور یا از لحاظ شک در واقعی بودن کارمزد سالیانه است؛ به این بیان که اگر بانک معادل ۴ درصد تسهیلات پرداخت‌شده به هر فرد را یک‌بار دریافت کند، هزینه‌های بانک پوشش داده می‌شود و دریافت کارمزد در سال‌های بعد زاید بر هزینه‌هاست؛ و یا از لحاظ شباهت کارمزد سالیانه به سازوکار قرض ربوی شبیه است؛ زیرا چون در قرض ربوی نیز با افزایش مدت زیاده نیز افزایش می‌یابد.

به نظر می‌رسد هیچ‌یک از دو وجه برای ممنوعیت سالیانه بودن کارمزد کافی نباشد؛ زیرا فرض آن است که بانک مرکزی با تحقیق علمی و صادقانه کارمزد واقعی را محاسبه کرده و به نرخ ۴ درصد سالیانه رسیده است. صرف محاسبه سالیانه نباید موجب انکار واقعی بودن نرخ ۴ درصد شود. به‌عبارت دیگر، طبق محاسبات بانک مرکزی کارمزد تسهیلات یک‌ساله ۴ درصد، کارمزد تسهیلات دوساله ۶ درصد و کارمزد تسهیلات سه‌ساله ۸ درصد است. طبیعتاً تسهیلاتی که مدت زمانشان بیشتر است هزینه بیشتری به بانک تحمیل می‌کنند. ارتباط مستقیم افزایش هزینه‌ها در ازای افزایش سنوات تسهیلات به لحاظ آنکه مشتری دفعات بیشتری به بانک مراجعه می‌کند، قابل توجیه است.

وجه دوم نیز غیرقابل قبول است؛ زیرا اگر واقعاً چنین هزینه‌هایی به بانک تحمیل شده باشد و فقیه دریافت کارمزد را جایز بداند، صرف مشابهت آن به سازوکار بهره نمی‌تواند موجب غیرمجاز بودن آن شود، اگرچه بهتر است برای اجتناب از اتهام ربا در پیشگاه افکار عمومی از آن اجتناب شود.

ایراد دوم: برخی به درصدی بودن کارمزد اشکال دارند و معتقدند: بخشی از هزینه‌ها ارتباطی به مبلغ تسهیلات ندارد و برای همه یکسان است. پس چرا کسی که تسهیلات بیشتری دریافت کرده است باید کارمزد بیشتری بپردازد؟ این روش محاسبه، کارمزد را به ربا تبدیل می‌کند (بیدار، ۱۳۹۱).

به نظر می‌رسد این اشکال مبتنی بر یک پیش‌فرض است و آن اینکه هزینه‌های اعطای تسهیلات از ابتدا بر ذمه مشتری مستقر می‌شود و وی لازم است علاوه بر بازپرداخت وام، هزینه‌هایی که بر ذمه وی مستقر شده است را بپردازد. این در حالی است که بانک بسیاری از هزینه‌ها را انجام داده (مثل تجهیزات خریداری‌شده برای شعبه) و یا بر ذمه بانک مستقر است (مثل حقوق کارمندان)؛ و مطالبهٔ کارمزد از مشتری صرفاً مبتنی بر مشارکت آنها در تأمین هزینه‌های تحمیل‌شده بر بانک از ناحیه اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه است. به‌عبارت دیگر، بانک برای پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه، هزینهٔ مشخصی متحمل شده و از مشتریان می‌خواهد هزینه‌ها را با مشارکت هم جبران کنند. مهم آن است که مجموع دریافتی بانک بابت کارمزد بیش از مجموع هزینه‌ها نباشد؛ زیرا در این صورت زیادهٔ دریافتی منطبق بر ربا خواهد شد. با رعایت این شرط، بانک در کیفیت تسهیم هزینه‌ها بر مشتریان اختیار خواهد داشت. شاهد بر اینکه هزینه‌ها بر ذمه بانک مستقر می‌شود و صرفاً معادل آن از مشتری مطالبه می‌شود آن است که اگر کارمزد در قرارداد تسهیلات قرض‌الحسنه شرط نشود، بانک نمی‌تواند آن را از مشتری مطالبه کند، درحالی‌که اگر هزینه‌ها از ابتدا بر ذمه

مشتری مستقر می‌شد، بانک حتی بدون شرط نیز می‌توانست آن را مطالبه کند. همچنین اگر کارمزد دریافتی از هزینه‌ها بیشتر باشد، بانک مالک آن نمی‌شود و باید مبلغ مازاد را به آنها بازگرداند.

بنابراین الزامی وجود ندارد که بانک هزینه عملیات مربوط به هر وام را به‌صورت دقیق محاسبه کند و دقیقاً همان را دریافت نماید، بلکه بانک می‌تواند به روش‌های گوناگون و در قالب شرط ضمن عقد از مشتری بخواهد در تأمین این هزینه‌ها مشارکت داشته باشند؛ مثلاً، به‌جای روش کنونی (دریافت کارمزد متناسب با مقدار تسهیلات) می‌تواند کل هزینه‌ها را به‌صورت سرانه بین دریافت‌کنندگان تسهیلات توزیع کند. در این صورت کارمزد وام یک‌میلیون تومانی با کارمزد وام پنجاه میلیون تومانی برابر خواهد شد. این روش قابل دفاع نیست؛ زیرا متقاضیان مبالغ خرد نوعاً جزو دهک‌های درآمدی پایین جامعه می‌باشند و اتخاذ چنین روشی در توزیع کارمزد، فقیر را فقیرتر می‌کند و با اهداف اقتصاد اسلامی سازگاری ندارد. به نظر می‌رسد روش کنونی به لحاظ عادلانه بودن بر روش توزیع سرانه ترجیح دارد. ممکن است گفته شود: با این حساب، بانک بخشی از هزینه‌های تسهیلات خرد را به دریافت‌کنندگان تسهیلات سنگین‌تر تحمیل می‌کند، و این خلاف عدالت است؛ اما پاسخ در همان نکتهٔ پیش‌گفته نهفته است؛ یعنی در روش کنونی بانک شرط می‌کند مشتریان با مشارکت یکدیگر هزینه‌های تسهیلات قرض‌الحسنه را تأمین کنند، نه آنکه هر کس دقیقاً هزینه‌های تسهیلات دریافتی خود را پرداخت کند.

روش دیگر آن است که بانک هزینه اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه را به دو بخش ثابت و نسبی تقسیم و هرکدام را جداگانه محاسبه کند. در این صورت مشارکت هر مشتری در هزینه‌ها دقیقاً به‌اندازه‌ای است که در ایجاد هزینه‌ها نقش داشته است (بیدار، ۱۳۹۱، ص ۱۱۲). این روش نسبت به روش کنونی محاسبه و انتقال هزینه‌ها (کارمزد ۴ درصد) عادلانه‌تر است؛ زیرا هر کس به اندازه‌ای که در ایجاد هزینه مؤثر بوده است کارمزد می‌پردازد. همچنین این روش بانک را تا حدی از اتهام رباخواری نزد افکار عمومی تبرئه می‌کند؛ زیرا رابطه مستقیم بین مقدار کارمزد و مبلغ تسهیلات به هم می‌خورد؛ چراکه هزینه‌های ثابت را همه به‌صورت یکسان می‌پردازند و فقط در هزینه‌های متغیر تفاوت وجود دارد.

راه‌کارهای پیشنهادشده برای تأمین هزینه‌ها (جایگزین کارمزد)

برخی از محققان راه‌کارهایی برای تأمین هزینه‌های تسهیلات قرض‌الحسنه به‌جای کارمزد پیشنهاد کرده‌اند. در ادامه، راه‌کارهای مطرح‌شده را با استفاده از آمارهای بانک مرکزی تبیین و سپس نقد و بررسی می‌کنیم و پیشنهاد جدیدی نیز به آنها اضافه خواهیم کرد.

۱. تأمین هزینه‌های قرض‌الحسنه توسط دولت اسلامی

ازجمله راه‌کارهایی که به‌عنوان جایگزین کارمزد پیشنهاد شده تأمین هزینه‌های قرض‌الحسنه توسط دولت اسلامی است (بیدار، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰). دولت می‌تواند با پراخت هزینه‌های مربوط به قرض‌الحسنه در توسعه و تثبیت این

سنت حسنه که در روایات از آن به «اصطناع معروف» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۴۶) یاد شده، قدم مؤثری بردارد. با توجه به ناچیز بودن سقف وام قرض‌الحسنه پرداختی به هر فرد، متقاضیان این تسهیلات معمولاً قشر متوسط به پایین می‌باشند. بدین‌روی، اقدام دولت در پرداخت هزینه‌های قرض‌الحسنه اقدامی در جهت فقرزدایی تلقی شده، ضریب جینی را کاهش می‌دهد.

آنچه ممکن است مانع عملیاتی شدن این پیشنهاد شود هزینه‌های سنگین ناشی از تسهیلات قرض‌الحسنه است. طبق محاسبه‌ای که پیش از این انجام شد، هزینه تسهیلات قرض‌الحسنه در سال ۱۳۹۶ قریب ۲۳۴۰ میلیارد تومان بوده است. اگرچه این رقم در مقایسه با بودجهٔ ۳۹۹ هزار میلیارد تومانی دولت در همان سال ناچیز به نظر می‌رسد، اما باید توجه داشت که در شرایط رکود اقتصادی که دولت دچار کسری بودجه شده و درصدد صرفه‌جویی برآمده است، معمولاً هزینه‌های این‌چنینی را که جنبهٔ حمایتی دارند، کاهش می‌دهد؛ و این می‌تواند نهاد قرض‌الحسنه را دچار آسیب جدی کند.

۲. اختصاص ۲۰ تا ۲۵ درصد از منابع قرض‌الحسنه به سرمایه‌گذاری

بررسی آمارهای بانک مرکزی در ده سال منتهی به سال ۱۳۹۶ نشان می‌دهد متوسط نرخ سود سرمایه‌گذاری در نظام بانکی در سال‌های اخیر قریب ۱۸ درصد بوده است (https://tsd.cbi.ir). اگر فرض کنیم هزینه تسهیلات قرض‌الحسنه و همچنین هزینه تسهیلات انتفاعی ۴ درصد باشد، چنانچه بانک قریب ۲۲.۵ درصد از منابع قرض‌الحسنه را با نرخ سود ۱۸ درصد سرمایه‌گذاری کند تمام هزینه‌های قرض‌الحسنه تأمین خواهد شد:

۰/۲۲۵ (تسهیلات انتفاعی)+ ۰/۷۷۵ (تسهیلات قرض‌الحسنه) = سپرده‌های پس‌انداز

۰/۰۴ = ۰/۰۴ × ۰/۲۲۵+ ۰/۰۴ × ۰/۷۷۵ = هزینه تسهیلات انتفاعی و قرض‌الحسنه

۰/۰۴۰۵ = ۰/۱۸ × ۰/۲۲۵ = درآمد تسهیلات انتفاعی

−۰/۰۰۰۵ = ۰/۰۴۰۵ × ۰/۰۴ = درآمد− هزینه‌ها= خالص هزینه‌ها

البته براساس مقررات کنونی چنین تخصیصی ممنوع است. طبق ماده ۲۷ مصوبه هیئت وزیران به شماره ۳۹۳۹۸/۲۱۱۸۵۳ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۶ تسهیلات اعطایی بانک قرض‌الحسنه صرفاً باید در قالب عقد قرض‌الحسنه انجام شود. همچنین مطابق بند ۱ تصویب‌نامه شماره ۲۱۱۴۲۲/ت ۳۹۹۴ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۶ تمام مؤسسات اعتباری (اعم از بانک‌های دولتی و غیردولتی و مؤسسه اعتباری غیربانکی) مکلف‌اند دست‌کم ۹۵ درصد منابع سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه را پس از کسر سپرده‌های قانونی به پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه اختصاص دهند. ولی معمولاً در عمل چنین اتفاقی نمی‌افتد. طبق آمار منتشرشده از سوی بانک مرکزی میانگین نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به سپرده‌های قرض‌الحسنه در ده سال منتهی به سال ۱۳۹۶ بعد از کسر نرخ ذخیره قانونی قریب ۷۴/۷ درصد بوده است (جدول ۱).

جدول ۱: میانگین نسبت تسهیلات قرض الحسنه به سپرده‌های قرض الحسنه

سال	سپرده پس‌انداز (میلیارد ریال)	سپرده پس‌انداز بعداز کسر ذخیره قانونی (ده درصد)	تسهیلات قرض‌الحسنه(میلیارد ریال)	نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به سپرده‌های پس‌انداز (درصد)
۱۳۸۷	۱۵۳۹۴۷	۱۳۸۵۵۲	۶۳۶۹۰	۴۶
۱۳۸۸	۱۸۰۱۱۳	۱۶۲۱۰۱	۹۲۸۱۳	۵۷
۱۳۸۹	۲۳۹۰۷۵	۲۱۵۱۶۷	۱۱۹۵۷۵	۵۵
۱۳۹۰	۲۵۵۷۵۶	۲۳۰۱۸۰	۱۷۸۴۸۳	۷۷
۱۳۹۱	۳۱۰۲۷۷	۲۷۹۲۴۹	۲۱۶۱۳۰	۷۷
۱۳۹۲	۳۳۸۴۷۸	۳۰۴۶۳۰	۲۸۱۳۹۴	۹۲
۱۳۹۳	۳۹۰۸۸۱	۳۵۱۷۹۲	۳۱۶۸۶۱	۹۰
1394	۴۶۹۸۰۰	۴۲۲۸۲۰	۳۶۵۹۰۰	۸۶
1395	۶۰۲۹۰۰	۵۴۲۶۱۰	۴۶۲۷۰۰	۸۵
1396	۸۰۱۹۰۰	۷۲۱۷۱۰	۵۹۵۲۰۰	۸۲
میانگین				۷۴.۷

بر اساس اطلاعات جدول (۱)، بانک‌ها در دوره مورد مطالعه بیش از ۲۵ درصد از منابع قرض‌الحسنه پس‌انداز را اختیار داشته‌اند و چون در همان دوره به‌طور متوسط ۹۹/۷ درصد سپرده‌ها در قالب تسهیلات به مشتریان پرداخت شده (برگرفته از: آمارهای بانک مرکزی)، بنابراین می‌توان اذعان کرد که بانک‌ها ۲۵ درصد باقی‌ماندهٔ سپرده‌های پس‌انداز را در قالب تسهیلات انتفاعی به متقاضیان واگذار و درآمد کسب کرده‌اند. با فرض هزینه ۴ درصدی برای همه تسهیلات، سود خالص این درآمد نیم درصد بیش از هزینه‌های تسهیلات قرض‌الحسنه در همان مدت بوده است

$$\pi = TR - TC = (0.25 \times 0.18) - [(0.75 \times 0.04) + (0.25 \times 0.04)] = 0.005$$

نتیجه آنکه می‌توان با قانونی کردن این مسیر، بانک‌ها را از دریافت کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه بی‌نیاز کرد؛ اما نباید از آسیب این روش غفلت کرد. چنانچه صاحبان وجوه نقد اطلاع یابند که بانک بخشی از سپرده‌های پس‌انداز را در قالب تسهیلات انتفاعی به مشتریان پرداخت کرده، کسب سود می‌کند، ممکن است با کاهش انگیزه مواجه شوند و در عمل حجم سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز کاهش یابد.

۳. تأمین هزینه‌ها از محل زکات واجب (سهم سبیل‌الله)

طبق آیه ۶۰ سورهٔ «توبه»، زکات واجب هشت محل مصرف دارد که یکی از آنها «سبیل‌الله» است. *علامه طباطبائی* در تفسیر «سبیل‌الله» گفته است:

سبیل‌الله هر کاری است که فایده‌اش به اسلام و مسلمین برمی‌گردد و به مصلحت دین است. روشن‌ترین مصداق آن جهاد در راه خداست و سایر اعمال که نفعش عمومی و شامل همه می‌شود، مثل اصلاح راه‌ها و احداث پل‌ها و مانند آن را نیز شامل می‌شود (طباطبائی، ١٤١٧ق، ج٩، ص ٣١١).

امام خمینی‌ؒ در توضیح هفتمین محل مصرف زکات می‌نویسد:

هفتم: سبیل‌الله؛ بعید نیست که شامل مصالح عمومی مسلمانان و اسلام باشد؛ مثل احداث پل‌ها و راه‌ها و خیابان‌ها و بازسازی آنها و آنچه موجب تعظیم شعائر و علو کلمه اسلام و دفع فتنه و مفسده از حوزه اسلام و بین دو گروه از مسلمانان است، نه مطلق امور خداپسندانه، مثل اصلاح بین زوجین و یا پدر و فرزند (موسوی خمینی، بی‌تا، ج١، ص ٣٣٨).

براین‌اساس، امکان تأمین هزینه قرض‌الحسنه از سهم سبیل‌الله وجود دارد؛ زیرا قرض‌الحسنه و توسعهٔ آن یکی از شعائر اسلامی و از اهداف مهم اقتصادی اسلام و ازجمله امور معروفی است که در شریعت بر آن تأکید فراوان شده است.

علاوه بر آن می‌توان از سهم «غارمین» نیز برای جبران مطالبات سوخت‌شده استفاده کرد، البته به شرط آنکه ناتوانی بدهکار از بازپرداخت اقساط ثابت شود.

البته به نظر می‌رسد با وجود فقرایی که محتاج ضروریات اولیه زندگی می‌باشند، اولاً، اختصاص زکات به سایر مصارف قابل دفاع نباشد. البته بعد از تأمین مالی فقرای محتاج به ضروریات، تأمین مالی سایر نیازمندی‌های فقرا تا سطح کفاف بر سایر مصارف زکات اولویت ندارد. ثانیاً، عمده متقاضیان تسهیلات قرض‌الحسنه نیازمندان و فقرا می‌باشند. بنابراین تأمین هزینه‌های آن از زکات نیز به نفع فقرا و نیازمندان است.

۴. پیشنهاد نهایی

بهتر است از هر سه روش پیشنهادشده در کنار روش کنونی تأمین هزینه‌ها (دریافت کارمزد) برای تأمین هزینه‌های تسهیلات قرض‌الحسنه استفاده شود؛ یعنی با فرض اینکه هزینه‌ها معادل ۴ درصد تسهیلات باشد بخشی از هزینه‌ها (مثلاً، قریب دو درصد) از مشتری دریافت شود. بخشی نیز (مثلاً، قریب یک درصد) از محل درآمدهای بانک تأمین گردد. در ترازنامه بانک‌های تجاری و تخصصی هزینه‌ای تحت عنوان مسئولیت‌های اجتماعی وجود دارد. این بانک‌ها می‌توانند سهم خود از هزینه تسهیلات قرض‌الحسنه را تحت عنوان «مسئولیت اجتماعی» بگنجانند؛ زیرا قرض دادن که در روایات از آن به «اصطناع معروف» یاد شده، قطعاً جزو امور عام‌المنفعه است و توسعه آن از مصادیق بارز مسئولیت‌های اجتماعی بانک به‌شمار می‌رود. در مؤسسات اعتباری و بانک‌هایی که فقط تسهیلات قرض‌الحسنه پرداخت می‌کنند و درآمد دیگری ندارند، می‌توان سهم نهاد قرض‌دهنده از زکات واجب را تحت عنوان «سبیل‌الله» تأمین کرد. همچنین بانک مرکزی می‌تواند با راه‌اندازی سامانه‌ای از عموم مردم بخواهد در تأمین هزینه‌های بانک‌ها و مؤسساتی که فقط تسهیلات قرض‌الحسنه می‌پردازند، مشارکت کنند و در نهایت دولت بقیه هزینه‌ها (قریب یک درصد) را تأمین کند.

البته پیشنهاد می‌شود محاسبه نرخ کارمزد در فواصل کمتری انجام شود. بانک مرکزی آخرین بار در سال ۱۳۷۵ نرخ کارمزد را ۴ درصد اعلام کرده است. در این مدت نظام بانکی متحول شده و گسترش بانک‌داری الکترونیک بسیاری از هزینه‌ها را کاهش داده است (شایگانی و داداشی، ۱۳۹۴). همچنین ممکن است بانک‌ها هزینه‌های متفاوتی در این رابطه داشته باشند و الزاماً همه با هم مساوی نباشد. بنابراین لازم است هزینه‌های تسهیلات قرض‌الحسنه در فواصل زمانی کوتاه‌تر توسط هریک از بانک‌ها به‌صورت جداگانه محاسبه و به بانک مرکزی اعلام شود و بانک مرکزی با جمع‌بندی گزارش‌ها و راستی‌آزمایی آنها نرخ کارمزد را برای هر بانک جداگانه یا برای همه به صورت یکسان اعلام کند تا افکار عمومی واقعی بودن کارمزد را بهتر بپذیرند.

نتیجه‌گیری

تأمین مالی هزینه‌های اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه در نظام بانکی یکی از چالش‌های فقهی بانک‌داری بدون رباست. برخی از معاصران با این استدلال که کارمزد در ازای مبلغ قرض نیست، بلکه معادل هزینه‌هایی است که بانک در ازای اعطای تسهیلات متحمل می‌شود آن را جایز دانسته‌اند. البته این گروه برای آنکه کارمزد راهی برای دور زدن حرمت ربا نباشد آن را به واقعی بودن مشروط کرده‌اند. در مقابل، برخی دیگر معتقدند: هرگونه زیاده‌ای که در قرارداد قرض شرط شود، مصداق رباست، حتی اگر به لحاظ حسابداری معادل هزینه‌هایی باشد که بانک بابت عملیات قرض متحمل شده است و خالص دارایی بانک از این بابت افزایش نیابد. برای تأمین نظر مخالفان پیشنهاد شد امور هزینه‌بر (مثل تهیه سفته) از ابتدا به مشتری محول شود، و هرجا امکان محول کردن هزینه وجود ندارد، بانک به وکالت از مشتری کارهایی را که نفعش به مشتری می‌رسد (مثل صدور دفترچه اقساط) انجام دهد تا هزینه‌ها بر ذمه مشتری مستقر شود و بانک بتواند آن را مطالبه کند.

اما با فرض مجاز دانستن دریافت کارمزد به روش کنونی و به اندازه‌ای که هزینه‌های انجام‌شده توسط بانک را پوشش دهد، اجزای هزینه‌های مؤثر در محاسبه کارمزد نیز نیازمند بررسی فقهی است. هزینه کارکنان و هزینه اداری قدر متیقن این هزینه‌ها می‌باشند. اما هزینه جوایز بانکی و هزینه ناشی از مطالبات غیرقابل وصول نباید در قالب هزینه از مشتری قرض‌الحسنه دریافت شود. البته بنابر اینکه شرط زیاده به نفع شخص ثالث جایز باشد بانک می‌تواند در متن قرارداد شرط کند که مشتری بازای مطالبات سوخت‌شده مبلغی را به‌صورت ثابت یا به‌صورت نسبی پرداخت کند. این پرداخت می‌تواند در قالب ضمان شرعی نسبت به مطالبات سوخت‌شده و یا هبه به افرادی باشد که به هر علت اقساط خود را پرداخت نکرده‌اند و بانک به وکالت از آنها مبلغ پرداخت شده را برای تسویه بدهی آنها قبض می‌کند.

همچنین دریافت کارمزد به شکل کنونی که درصدی و سالیانه است، مشکل حادی محسوب نمی‌شود؛ زیرا لازم نیست هر مشتری دقیقاً به همان اندازه که در ایجاد هزینه‌ها نقش داشته است، کارمزد پرداخت کند. مهم آن است که مجموع کارمزد دریافت‌شده از مجموع هزینه‌های انجام‌شده بیشتر نباشد.

پیشنهادی که در این مقاله بر آن تأکید شده توزیع هزینه‌ها بین قرض‌گیرنده، نهاد قرض‌دهنده و دولت اسلامی است.

منابع

بهجت، محمدتقی، ۱۴۲۸ق، ***استفتاءات***، قم، دفتر حضرت آیت‌الله بهجت.

بیدار، محمد، ۱۳۹۱، «بررسی کارمزد قرض‌الحسنه و شیوه‌های محاسبه آن در بانکداری اسلامی»، ***معرفت اقتصاد اسلامی***، ش ۷، ص ۹۷ـ۱۱۴.

تبریزی، جواد، بی‌تا، ***استفتاءات جدید***، قم، بی‌نا.

حسینی، سیدشمس‌الدین و امیررضا سوری، ۱۳۸۶، «برآورد کارایی بانک‌های ایران و عوامل مؤثر بر آن»، ***پژوهشنامه اقتصادی***، ش ۲۵، ص ۱۲۷ـ۱۵۵.

خرازی، سیدمحسن، ۱۳۸۴، «پژوهشی در اقسام بانک و احکام آن» ***فقه اهل‌بیت***، ش ۴۳، ص ۳ـ۵۳.

سیستانی، سیدعلی، ***قسمت پرسش و پاسخ***، دفتر معظم‌له، در: https://www.sistani.org

شایگانی، بیتا و لیلا داداشی، ۱۳۹۴، «بررسی اثر گسترش بانکداری الکترونیکی بر کاهش هزینه‌های بانک‌ها»، ***مطالعات اقتصادی کاربردی ایران***، ش ۱۳، ص ۲۳۱ـ۲۵۵.

صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۴۱۷ق، ***جامع الاحکام***، چ چهارم، قم، حضرت معصومه.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، چ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

عاملی، سیدجوادبن محمد، ۱۴۱۹ق، ***مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة***، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

عباسی، زهرا و سیدکاظم صدر، ۱۳۸۴، «محاسبه هزینه تسهیلات قرض‌الحسنه و مقایسه آن با سایر عقود اسلامی»، ***اقتصاد اسلامی***، ش ۱۹، ص ۱۳ـ۴۳.

کلینی، محمدبن‌یعقوب، ۱۴۰۷ق، ***الکافی***، چ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر، بی‌تا، ***ربا و بانکداری اسلامی***، قم، بی‌نا.

ـــــــ ، ***استفتائات اینترنتی***، https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=21&lid=0&catid=655&mid=257574.

منتظری، حسینعلی، بی‌تا، ***رساله استفتاءات***، قم، بی‌نا.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۴۲۲ق، ***استفتائات***، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

ـــــــ ، بی‌تا، ***تحریر الوسیله***، قم، دار العلم.

موسویان، سیدعباس و اکبر کشاورزیان، ۱۳۹۹، «مبانی فقهی و موضوع‌شناسی کارمزد قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران»، ***اقتصاد اسلامی***، ش ۷۸، ص ۹۵–۱۲۵.

موسویان، سیدعباس، ۱۳۸۳، «طرحی برای ساماندهی صندوق‌های قرض‌الحسنه»، ***اقتصاد اسلامی***، ش ۱۶، ص ۳۵–۵۶.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک اطلاعات سری‌های زمانی، https://tsd.cbi.ir.